



نقش و جایگاه آموزه‌های تربیتی در دو آیه اول سوره حمد در رساندن انسان به کمال

علی نبی‌اللهی^۱ | محمد جواد یزدی^۲

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.62.7.2

۶۲

سال سی و دوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵
صص: ۲۲۰-۱۹۷

شابا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

انسان موجودی کمال‌خواه است و نقش قرآن کریم در رساندن انسان به کمال بی‌بدیل است، چون سوره حمد چکیده قرآن کریم است نقش یادشده در این سوره، پر رنگ است. در این نگاه‌شسته از روش تحلیل محتوا و لفظ استفاده شده که آیات ابتدایی سوره حمد بررسی و با استفاده از دیدگاه مفسران، این آیات تبیین شد، هدف اصلی، استخراج آموزه‌های تربیتی سوره مبارکه حمد در جهت رساندن انسان به کمال است، برخی از آموزه‌های تربیتی سوره که انسان را به کمال می‌رساند، عبارتند از: بایستگی آغاز نام خدا؛ چراکه اگر آغاز کاری با نام خدا نباشد آن کار به هدف نمی‌رسد، زیرا به هدف رسیدن کار، نیازمند حُسن فعلی و حُسن فاعلی است که هر دوی آنها با همین نکته محقق می‌شود، استعانت از رحمت خدا که با دو واژه رحمان و رحیم است، حمد خدای تعالی در همه حالات، زیرا حمدکننده، از همین طریق به هدف سوره حمد - که هدایت انسان است - دست می‌یابد، همچنین عبادت خدا و عملیاتی کردن توحید ربوبی، هدف دیگر است چراکه در پرتوی آن، انسان با کمک هدایت الهی به کمال مطلوب خود دست می‌یابد، زیرا فقط خالق است که می‌تواند برنامه‌ی متناسب با شرایط مخلوق خود طراحی و ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: سوره حمد؛ کمال؛ آموزه‌های تربیتی؛ انسان کامل.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه معارف دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

Email: Nma1380@yahoo.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: mj.koochakyazdi@yahoo.com

استناد: نبی‌اللهی، علی و یزدی، محمدجواد (۱۴۰۳)، ط نقش و جایگاه آموزه‌های تربیتی در دو آیه اول سوره حمد در رساندن انسان به

کمال، **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۳۲(۶۲)، ۱۹۷-۲۲۰.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.62.7.2>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

خلقت انسان از سوی خدای تعالی هدفمند است (شبر، ۱۴۱۰: ۴۸۹) این هدف از خلقت نیز تنها با عبادت خدا و رسیدن انسان به کمال، محقق می‌شود (پانی پتی، ۱۴۱۲، ج ۹: ۹۱) و این کمال مختص حضرت آدم علیه السلام نیست بلکه برای نوع بشر وجود دارد (آملی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۱۱) برای دستیابی به این مهم، خدای تعالی انسان را موجودی کمال خواه آفرید، (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۹: ۲۵۸) کمال انسان هم فقط از طریق هدایت الهی و تربیت دینی او امکان پذیر است که مقتضای حکمت الهی نیز همین است (شعراوی، ۱۹۹۱، ج ۱: ۶۴۵) به همین دلیل مهمترین اهداف انبیاء الهی، منحصر در دو امر خواهد بود: یکی عبادت خدا و دیگری هدایت خلق او بر پایه عبادت الهی (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۷: ۵۰) همچنانکه در روایتی، هدف از خلقت انسان شناخت خدا، سپس عبادت او بر پایه این شناخت و در نهایت بی‌نیازی از عبادت غیر به دلیل عبادت خدا، عنوان شده (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹) بدیهی است که انسان با برخورداری از موارد یادشده، می‌تواند این راه را به خوبی طی کرده و به هدف از خلقت خود یعنی کمال، دست یابد.

شاهد مسئله یادشده آنکه به فعلیت رسیدن توانمندی‌های عالی انسانی و آماده‌سازی او برای انجام رسالت مهمش؛ یعنی خلیفه الهی (جانشینی خدا) (بقره - ۳۰) یکی از مهم‌ترین، محوری‌ترین و کلان‌ترین موضوعاتی است که در قرآن کریم بیان شده (مطهری، بی تا: ۷۱) که از این افراد، با تعابیر گوناگون و برجسته‌ای چون "اولیاء الله" (یونس - ۶۲) - "ابرار" (انفطار - ۱۳) - "مقربون" (آل عمران - ۴۵) "اخیار" (صاد - ۴۸) - "اصفیاء الله" (آل عمران - ۳۳) - "اولوالالباب" (زمر - ۹) - "مهتدون" (بقره - ۱۵۷) - "مطهرون" (توبه - ۱۰۸) - "مفلحون" (نور - ۵۱) - "شاهدون" (آل عمران - ۵۳) و غیره یادشده و اساساً سراسر قرآن کریم تبیین و تفسیر خلافت الهی انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۲۸)

همچنین وجود سراسر فقر انسان نسبت به خدای تعالی (فاطر - ۱۵) نیز عاملی است که باعث حرکت وی به سمت بی‌نیاز (= الله) می‌شود و این نیز خود عامل دیگری برای رسیدن به کمال او

خواهد شد (ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۴: ۵۲۹) که نیاز انسان به تقرب به خدا نیز در همین راستا قابل ارزیابی است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸ ج ۳: ۲۸۷) که قرآن کریم نیز بدان اشاره کرده (زمر - ۳) همچنانکه بت پرستی بت پرستان را به دلیل تقرب به خدا اما از راه نادرست پرستش بت‌ها و بر آورده شدن حاجاتشان در زمان نیازمندی از این راه دانسته است. (مراغی، بیتا، ج ۲۳: ۱۴۲)

از اینرو انسان نیازمند راهنمایی خدای تعالی در رسیدن به هدف اصلی از خلقت خود یعنی کمال است که این مسئله در دین اسلام به خوبی جانمایی شده، از جمله گزینه‌هایی که دین برای بشر آورده دستورات و توصیه‌هایی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده، در این میان سوره حمد از جایگاه بسیار والایی در این زمینه برخوردار است چراکه سراسر آن هدایت بشر به سوی کمال است همچنین این سوره آغاز کلام الله مجید است بدیهیست آغاز شدن قرآن به این سوره از اهمیت خاص آن خبر می‌دهد افزون بر آن، سوره حمد، خلاصه قرآن نیز دانسته شده بنابراین آموزه های آن نیز به صورت خلاصه اما جامع بیان شده بدیهی است پرداختن به این آموزه ها با پیش فرض یاد شده، اهمیت ویژه ای می یابد، بنابراین، دو مسئله یاد شده جزو عواملی است که بتوان از آموزه های تربیتی این سوره که با هدف رساندن انسان به کمال است بهره گرفت و بشر را به جایگاهی که مد نظر خدای تعالی است رساند.

پیشینه پژوهش

طرح اولیه موضوع کمال را می توان در آموزه های ادیان الهی و آسمانی جستجو کرد، در آموزه های زرتشت، کمال بر سه پایه: پندار (اندیشه)، گفتار و رفتار نیک استوار شده که باعث تقرب بشر به "هورا مزدا" (= آفریدگار) است، (نصری، ۱۳۶۷: ۴۷) در آیین یهود مهم ترین آموزه ای که بر کمال پذیری انسان و برتری وی در این باره بر سایر موجودات دلالت دارد، در سفر پیدایش تورات ذکر شده که همان خداگونه بودن انسان در آفرینش است، همچنانکه در تورات آمده: «سپس خدا گفت: بگذار انسان را به صورت خودمان و همانند خودمان بسازیم؛... پس خدا انسان را در صورت مانند خود آفرید» (سفر پیدایش، ۱: ۲۷-۲۶). در آموزه های مسیحیت هم سه

نتیجه و هدف بسیار مهم برای انسان لحاظ شده، اول؛ رستگاری که تنها از راه باور دینی، عبادت خدای تعالی و پارسایی و زهد محقق می‌شود، دوم: تلاش برای محقق سازی عشق و محبت‌ورزی بین مردم و در پایان؛ تلاش برای محقق ساختن عدالت جهانی برای بشر. (همان: ۸۲۰)

لفظ "انسان کامل" در متون عرفانی، بسیار مشاهده می‌شود البته منشا استفاده از آن قرآن و روایات است، در همین زمینه کتبی مانند: "رساله قشیریّه" بایزید بسطامی، "منازل السائرین" خواجه عبدالله انصاری، "احیاء العلوم" محمد غزالی، "تذکره الاولیاء" عطار نیشابوری، "فتوحات مکیه" ابن عربی، "اشارات" ابن سینا، "حکمه الاشراق" سهروردی، "مفاتیح الغیب" قونوی، "مصباح الانس" ابن حمزه فناری رومی، "محجّه البیضاء" فیض کاشانی و جز آن، در همین راستا هستند و کتابهای یادشده هر کدام به نوعی درباره کمال انسان و ویژگی‌های آن با رویکرد عقلی، نقلی و عرفانی مطالبی را بیان کرده‌اند. (علی پور، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

در زمینه تبیین آموزه‌های تربیتی سوره حمد نیز کتابی با رویکرد تفسیر تربیتی در باره سوره حمد نگارش شده که نویسنده در این مقاله بعد از ذکر مقدمه‌ای در مورد اهمیت تفسیر تربیتی و تاریخچه آن، به مبانی، روش‌ها و قواعد تفسیر تربیتی اشاره می‌نماید، سپس شیوه‌نامه نگارش تفسیر تربیتی قرآن را ارائه می‌کند، آنگاه برای نمونه تفسیر تربیتی سوره حمد را در سه بخش بیان می‌نماید؛ در بخش نخست سیمای کلی سوره حمد (نام‌ها، فضایل و اهداف کلی آن)، در بخش دوم نکات تفسیری عمومی سوره و در بخش سوم مطالب تربیتی آن را بیان می‌کند که شامل نه روش تربیتی (القاء غیر مستقیم، الگودهی، تشویق، هشدار، جمع آوری، مقایسه، استدلال، رحمت‌گرایی و ارتباط مستقیم بین مربی و متربی)، هشت بعد تربیتی موجود در سوره حمد (اخلاقی و معنوی - اعتقادی - عبادی - اجتماعی - سیاسی - عقلی - عاطفی - اقتصادی) و در پایان پیام‌ها و آموزه‌های ویژه سوره حمد را به ترتیب آیات بیان می‌کند، اما تفاوت این نگاه با کتاب یادشده در آن است که نگاشته حاضر با رویکرد کیفیت رسیدن انسان به کمال این آموزه‌ها را مطرح می‌کند و قصدش ارائه تفسیر تربیتی با رویکرد خاص در روش‌های تفسیری نیست.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده که با هدف فهم اهداف، پیام‌ها و تاثیرات محتوای نگاشته به کار می‌رود که برونداد این روش، کیفی سازی استنتاج، توسط تحلیل ارتباط معنایی کلمات و مفاهیم است، براین اساس این نگاشته به دنبال یافتن ارتباط و الگو در مفاهیم مورد نظر یعنی بحث کیفیت و چگونگی رسیدن انسان به کمال بر پایه داده‌های سوره مبارکه حمد است چراکه هدف اصلی از این روش، برجسته سازی محورها و خطوط اصلی یک متن مکتوب با هدف فراهم سازی پژوهشی توصیفی تحلیلی است به هر حال روش انجام این تحقیق نیز به این صورت است که در ابتدا اطلاعات مورد نظر جمع آوری شده سپس با استفاده از تحلیل لفظ و محتوا به بررسی و تحلیل متن‌های گزینشی از قرآن کریم پرداخته شده است.

سؤالات پژوهش

سوال اصلی تحقیق اینست که آموزه‌های تربیتی‌ای که در دو آیه ابتدایی سوره مبارکه حمد آمده چه نقش و جایگاهی در رساندن انسان به کمال دارد؟

سؤالات فرعی تحقیق هم به شرح زیر است:

- آغاز کردن کارها با نام خدا چه نقشی در رساندن انسان به کمال دارد؟
- جایگاه و نقش دو صفت رحمان و رحیم در رساندن انسان به کمال چگونه است؟
- حمد الهی چگونه می‌تواند انسان را به کمال رهنمون شود؟
- تربیت‌پذیری و مختار بودن انسان، چگونه زمینه ساز و عامل رسیدن او به کمال می‌شود؟

فرضیه تحقیق نیز بر این محور استوار است که اساساً قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت انسان و تبیین‌کننده راه رسیدن او به کمال مد نظر خدای تعالی است و از آنجا که سوره حمد خلاصه قرآن کریم به شمار آمده پس این سوره جامع این موارد هدایتی انسان به سمت کمال نیز هست.

مفهوم شناسی

در این قسمت واژگان: "تربیت" و "کمال" از دو منظر لغوی و اصطلاحی و نیز عبارت: "آموزه‌های تربیتی" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تربیت از دیدگاه لغت

«تربیت»^۱ از باب تفعیل است که معانی‌ای مانند: تعدیه، تکثیر، تدریج و جز آن را در بر دارد، ریشه آن «ربو» و فعل ناقص در باب تفعیل است که همیشه بر وزن «تفعلة» استعمال می‌شود مانند: ترکیه، تخلیه و جز آن، (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۷۱) البته برخی اصل آن را از «ربب» دانسته و تبدیل «باء» آن به «یاء» را به دلیل تخفیف دانسته‌اند، (راغب، ۱۴۱۲: ۳۴۰) در ماده «ربو»، معنای زیادت و رشد نیز هست (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۲۸۴) همچنانکه عرب، تپه را «رَبْوَةٌ» نامیده چون از سطح زمین بالاتر است یا تنفس را «ربو» گویند به دلیل بر آمده شدن سینه هنگام تنفس و نیز نامیده شدن «ربا» به دلیل افزایش مال (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۳) اما در این ماده، معنای تدریجی هم بودن لحاظ شده (راغب، ۱۴۱۲: ۳۴۰) و معنای مورد نظر باب تفعیل هم در اینجا، به احتمال زیاد، همان تعدیه باشد، زیرا تربیت، نیازمند متربی (مفعول) است.

تربیت از نظر اصطلاحی

"تربیت" به معنای پرورش و به فعلیت رساندن استعدادهای درونی‌ای که بالقوه در یک شیء وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۵۵۱) یا به معنای رفع موانع و ایجاد شرایط برای شکوفایی استعدادها و انسان در جهت کمال دانسته شده (جمعی از نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ۱۳۸۸: ۲۸) برخی نیز آن را به معنای فرآیند ایجاد تاثیر گذاری و تاثیر پذیری بین مربی و متربی به منظور ایجاد یا تغییر صفتی عنوان کرده‌اند. (جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات تربیتی، ۱۳۸۸: ۵۷)

در جمع‌بندی تعاریف گذشته می‌توان گفت که اولاً: عالمان مسلمان بر آنند که وجود تکلیف، اراده و عقل بشر، از تربیت پذیر بودن او حکایت دارد، دوم؛ تربیت، همان به فعلیت رساندن استعدادهای بشر از قوه به فعل و با هدف رساندن او به کمال است و سوم؛ اینکه هدف از تربیت؛

1. Education

رشد الهی، رسیدن به حیات طیبه، عبادت و عبودیت، تقوی، اصلاح روابط چهارگانه انسانی و مواردی از این دست است و منظور از آموزه های تربیتی نیز آن دسته از داده هایی است که موجبات تربیت را فراهم ساخته و در قالب آن، انسان به این هدف می رسد.

کمال در لغت

کمال؛ یعنی در بر داشتن تمامی اجزای چیزی که دارای جزءهای متعدد است (فراهدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۷۸) مانند اتومبیل که بایستی همه اجزای آن کنار هم قرار گیرند تا کامل شود (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۵۷) و آن، هم در ذوات (اشیاء) به کار می رود هم در صفات. (فیومی، بیتا، ج ۲: ۵۴۱)

کمال در اصطلاح

کمال اصطلاحی در واقع، همان هدفی است که خدای تعالی از آفرینش انسان مد نظر دارد، قرآن کریم، هدف آفرینش انسان را گاه عبادت و عبودیت (ذاریات - ۵۶) گاه آزمایش او - که آمیخته با پرورش و در نتیجه تکامل است - (ملک - ۲) و گاه پذیرش رحمت و در سایه آن، تکامل وی دانسته است. (هود - ۱۱۸ - ۱۱۹)

البته نقطه پایان همه این موارد، همان هدایت و تکامل بشر است؛ یعنی دسترسی به برترین کرامات و ارزش های انسانی که همه این موارد در پرتو شناخت، عبودیت و بندگی آگاهانه خدا میسور است و از آنجا که واجب الوجود از همه جهات کامل و ممکن الوجود از جمیع جهات ناقص است وقتی بنده در برطرف سازی نقائص خود تلاش کند از نظر معنوی به خدا تقرب می یابد (شبر، ۱۳۸۶: ۴۵) و این کمال، مقدمه برای کمال نهایی یعنی "لقاء الله" و جای گرفتن در جوار رحمت او خواهد بود. (رک: آیاتی مانند: قمر - ۵۴ - ۵۵ و انشقاق - ۶) (امینی، ۱۳۸۶: ۷۱)

آموزه های تربیتی

"آموزه" به معنای درس (فرهنگ معین ذیل واژه) و منظور از آموزه های تربیتی، داده هایی است که با هدف تربیت انسان تبیین شده اند.

کلیاتی درباره سوره حمد

این سوره مبارکه، دارای هفت آیه (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۳) و تنها سوره‌ای است که "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" در آن یک آیه مجزاست (مکارم، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۷) همچنانکه این مطلب در روایتی از امام علی (علیه السلام) نیز نقل شده (حسن بن علی (ع) امام یازدهم، ۱۴۰۹: ۵۹) و آن، در روایتی، عظیم‌ترین آیات قرآن دانسته شده (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱) نیز، ثواب قرائت این سوره، معادل دو سوم قرآن (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۷۴۰) یا تمامی آیات قرآن (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۲) یا ثواب تصدق بر همه مومنان دانسته شده (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۸) در روایتی نیز این سوره از گنج‌های عرش‌ی عنوان شده (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴) چراکه آن، اولین نگارش در لوح محفوظ و اولین چیزی است که بر حضرت آدم (علیه السلام) نازل شده (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱: ۶) همچنین نزول این سوره باعث نعره و صیحه کشیدن شیطان گردیده (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۶۳) چراکه نزول آن، یکی از دلایلی است که شیطان را در راه رسیدن به اهداف شوم خود در گمراه کردن انسان ناکام گذاشته است!

این سوره مبارکه، اسامی زیادی دارد که برخی معروف و برخی غیر معروفند، اسامی معروف آن عبارتند از: «ام الكتاب»، (به دلیل در برداشتن تمامی معارف قرآن به صورت اجمال) (نیشابوری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۸۹) «فاتحه الكتاب»، (به دلیل آن که آغاز و مبدا این کتاب است) (شیخ زاده، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۴) «السیع المثانی» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۲۷) (به دلیل آنکه دو بار نازل شده) (سیزواری، ۱۴۱۹: ۲۷۱) یا «اینکه دوبار در نماز خوانده می‌شود» (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۳۶) و «حمد» است (ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۷) و اسامی غیر مشهور آن عبارتند از: «فاتحه القرآن» (چون آغاز قرآن با این سوره است)، «القرآن العظیم» به دلیل آنکه قرآن این نام را به این سوره داده است (حجر - ۸۷) (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۷) «الوافیه و الکافیة»، (به دلیل روایتی که این سوره را جایگزین دیگر سوره‌ها می‌داند اما سایر سور، جایگزین این سوره نیستند) (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۱)، «الشفایة و الشفاء»، (به دلیل روایتی که حمد را شفای هر دردی می‌داند) (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۶۵۶) «الصلاة» (به دلیل روایتی که نماز را فقط با این سوره می‌داند) (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۰۲) «الدعاء و الاساس» (طبق روایتی که اساس قرآن را سوره حمد می‌داند) (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۴) «الشکر» (چون سوره حمد مشتمل بر شکر الهی است) «الکنز» (مطابق روایتی که این

سوره را گنجی از گنجهای عرش می‌داند) (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۷) «النور» (به دلیل آنکه کتابهای آسمانی، نور نامیده شده‌اند (تغابن - ۸) و این سوره که خلاصه قرآن است نیز از این جهت نور است) «السؤال و تعلیم المسئلة» (چون در هیچ جای قرآن، درخواستی از سوی بنده نسبت به خدای تعالی به این صراحت وجود ندارد) (شیخ بهایی، ۱۳۹۸: ۳۹۱) «المناجاة و التفویض» (به دلیل آیه "إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ" که قسم اولش مناجات عبد با خدا و قسم دومش تفویض کار بخداست) (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۶) و «سورة الحمد الاولى و الحمد القصرى». (به دلیل آنکه این سوره اولین سوره از سوره‌هایست که با حمد خدا شروع می‌شود).

برخلاف بقیه قرآن کریم که سخن خالق با مخلوق است اما نیمی از این سوره، سخن مخلوق با خالق است (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۷۴) و آن، اصل قرآن دانسته شده است. (کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۷) سوره حمد، مکی (طوسی، بیتا، ج ۱: ۲۴) و اولین سوره قرآن کریم به حسب چینش کنونی مصحف است و اولین سوره به ترتیب نزول نیست، از همین رو، یکی از معروف‌ترین نام‌های این سوره نیز "فاتحة الكتاب" است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۹۲) نیز این سوره "ام الكتاب" نامیده شده زیرا با آن قرآن کریم آغاز می‌شود. (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵)

این سوره با وجود تعداد کم آیاتش - یعنی تنها هفت آیه - در بردارنده تمامی مطالب قرآن است، همچنانکه این مطلب از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده، (قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۶۸) چراکه این سوره به صورت اجمال، در بردارنده سه مطلب کلی؛ یعنی شناخت مبدا، معاد و نیز رسالت است؛ این تعبیر همان است که امیر مومنان (علیه السلام) می‌فرماید: "رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً... وَ عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ" (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۱۶) همچنانکه در آیه دوم سوره، مبدا و ربوبیت مطلقه خدا مطرح شده و آیه "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ" ناظر به بحث معاد و از این آیه تا آخر سوره، اشاره به طلب هدایت، رسالت و نبوت داشته و سیر از مبدا تا معاد را تبیین می‌کند. (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۳۱۱)

در تفصیل مسئله یاد شده باید گفت که قرآن کریم مشتمل بر تحمید، تمجید، تسبیح، تقدیس، تهلیل، شکر، ثناء و تکبیر است که می‌توان تمامی موارد یادشده را در کلمه حمد گنجانند، همچنین، تبیین مواردی چون: إنعام، إحسان، ارزاق، تربیت بندگان و إمهال و إکرام آنان، در کلمه "رحمان" مندرج است، نیز همه آنچه در قرآن، از گستردگی رحمت، عفو گناهان و رحمت بر

بندگان بیان شده، در واژه "رحیم"، درج شده و تمام مفاهیم ثبات قدرت الهی، عظمت، بقاء، سرمدیت حق، منزه بودنش از شریک، در واژه "مالک"، نهفته و تمامی امور مرتبط با قیامت، مقامات، مواقف و نعمت‌های آخرتی، کرامات و حالات بهشتیان و درجات آن، احوال دوزخیان و درکات و شدائد ایشان، میزان، حساب و صراط، در عبارت: "يَوْمَ الدِّينِ" قرار داده شده است.

همچنین مواردی مانند: عبادات و کیفیت آن، نماز، روزه، زکوة، حج و جز آن، در "إِيَّاكَ نَعْبُدُ" مندرج است! افزون بر موارد یادشده، قرآن در بردارنده موارد دیگری چون: توکل، طلب نصرت، فتح و استعانت، از خدای تعالی و امثال آن است که همگی در عبارت: "إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ" قرار داده شده و اینچنین است مفاهیم دیگری از قرآن، مانند: هدایت، تفویض، توفیق، اعتماد، ارشاد، دعا، سوال، إِبْتِهَالٌ و إِنْتِجَاءٌ که در "إِهْدِنَا" نهفته است، شرایع، حلال و حرام الهی، احکام و امر و نهی او نیز در عبارت: "صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ" گرد آمده است.

همچنین داستان حالات اقوام سرکش، بت پرست یا خودپرست و اخبار ایشان، از کفران نعمت، تکذیب انبیاء و قتل ایشان، اصرار بر انجام منکرات و حلول غضب و عذاب الهی بر ایشان، در عبارت: "غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ" آمده و بالاخره حالات سایر ستمگران، فراعنه، نصاری و دیگر مشرکان و گمراهان، در کلمه "ضَالِّينَ"، درج شده و اساساً این یکی از محسنات قرآن کریم آن است که ابتدا مطلب را به صورت مجمل بیان کرده و سپس به تفصیل آن پرداخته زیرا این حالت، باعث اثر بخشی و نهادینه تر شدن مطلب، در نفس انسان می‌گردد.

با این بیان شاید بتوان گفت قرآن کریم از ابتدا رسالت تربیتی خود را آشکارا تبیین کرده، چراکه شاهد به کارگیری راهبردهایی متفاوت، برای تربیت و هدایت انسان در این سوره هستیم که از جمله آنها، تبیین اعتقادات، تنبیه و تشویق، معرفی ذات باری تعالی و ربوبیتش، تبیین جایگاه و نقش این ربوبیت در تربیت و هدایت بندگان، نیز تبیین لزوم و بایستگی عبادت بندگان و عبودیت به عنوان برونداد این عبادت و معرفی آسیب‌های این عبادت و عبودیت از دیگر مواردی است که در این سوره بیان شده است.

همچنین طبق حدیثی قدسی، سوره حمد در مقام تعلیم ادب تحمید و شکل بیان عبودیت نیز هست از اینرو خدای تعالی این سوره را بین خود و بندگان تقسیم کرده، همچنانکه پنج آیه اول

سوره که در بردارنده حمد، ثنای الهی و خضوع و خشوع در برابر اوست برای خدا و بخش دیگر سوره که در بردارنده دعا و طلب است نصیب بنده سالک است. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۰۰)

برخی مفسران نیز هشت قسمت بودن (این سوره همراه با اَعُوذُ بِاللَّهِ را متناسب با درهای هشتگانه بهشت دانسته‌اند از اینرو نمازگزار می‌تواند اگر آداب خاص این سوره را به صورت کامل رعایت کند از تمامی درهای هشتگانه می‌تواند وارد بهشت شود! اما درهای هشتگانه عبارتند از:

یکم: "باب معرفت و شناخت" که با گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» باز می‌شود؛
 دوم: "باب ذکر" که با آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باز می‌شود؛
 سوم: "باب شکر" که با «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» باز می‌شود؛
 چهارم: "باب امید و رجاء" که با آیه شریفه «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باز می‌شود؛
 پنجم: "باب خوف و ترس از خدا" که با آیه شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» باز می‌شود؛
 ششم: "باب اخلاص" که با شناخت عبودیت یعنی آیه شریفه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
 این در باز می‌شود؛

هفتم: "باب دعا و تضرع" که با آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» باز می‌شود.
 هشتم: "باب اقتدا به ارواح پاک و کسب هدایت از طریق انوار ایشان" که با آیه شریفه:
 «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» باز می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۷۸)

چارچوب نظری بحث (یا مبانی بحث و برون‌دادها)

با توجه به آنچه در سوره مبارکه حمد ذکر شده، هدایت انسان و رسیدن او به کمال بر اساس آموزه‌های تربیتی این سوره، بر چند اصل، استوار است در این میان موارد زیادی وجود دارد که به برخی از آنها متناسب با مفاهیم این سوره اشاره می‌شود، مانند: لزوم شروع هر کاری با نام خدا، بررسی دو صفت خدا یعنی رحمان و رحیم، نیز اختصاص حمد به ذات باری تعالی و در پایان تبیین این مسئله که انسان نیازمند هدایت است چراکه او مختار آفریده شده، همچنین در این نگاه‌ها تلاش شده تا به ترتیب آیات، مبانی و مباحث مرتبط با این بحث و همچنین برون‌دادها و کارکردهای آن، به صورت خلاصه، استخراج و تبیین گردد.

بایستگی آغاز هر کاری با نام خدا

یکی از مهم‌ترین موارد در زندگی انسان آنست که کارهای نیکش، او را در نیل به کمال یاری رساند، چه در غیر این صورت، انجام کار نیک با فرض از بین رفتن آن یا اثر مطلوبش، با انجام ندادنش همسان خواهد بود، از اینرو انجام دهنده کار خیر بایستی مراقب باشد کار نیکش از بین نرفته یا بی اثر نشود، یکی از مواردی که باعث بی‌نتیجه بودن کار می‌شود آغاز کارها بی نام خدا و برای غیر خدا بودن آنست، همچنانکه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آغاز کار، بدون بردن نام خدا را ابتر و بدون نتیجه دانستند. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۱۷۰)

کتاب خدا با سوره حمد و این سوره نیز با "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" آغاز شده، برخی روایات، آغاز تمامی کتب آسمانی را با "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۷۴: ۹۷) این بدان معناست که خداوند، ادب دینی برای ورود به هر کاری را به ما آموخته (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۳۴۹) و دلیل آن نیز اینست که در ابتدای هر کاری بایستی به او توجه کرد (هو الاول) زیرا اگر کاری بدون تقرب به او (لغیر وجه الله) انجام گیرد آن کار بدون نتیجه خواهد بود (هو الاخر) (همان: ۳۳۴) که در روایات از آن به عنوان "ابتر" یاد شده، (شریف رضی، ۱۳۸۰: ۲۳۰) به همین دلیل است که قرآن، به پیامبر می‌آموزد که خدای تعالی به او توفیق ورود در عمل و خروج از آن را به صورت صادقانه و پیروزمندانه بدهد، (جزایری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۱۳) افزون بر موارد یاد شده، شروع کارها با "بسم الله" موجب برکت کار نیز هست و برکت یعنی حصول نتیجه، بیشتر از آنچه که مورد توقع است (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۳۷۲) مثلاً بنده، منظورش از کاری هدف دنیایی است اما گفتن "بسم الله" موجب حفظ او از آتش جهنم نیز خواهد شد. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۹۱)

شروع سوره با "بسم الله" نیز یعنی آغاز کردن با نام خدا برای رسیدن به هدف سوره که همان هدایت و تربیت انسان است، حال اگر معنای "باء" استعانت باشد یعنی کمک گرفتن از نام خدا برای رسیدن به این هدف و اگر هم "باء" به معنای ابتدا باشد یعنی این کار مقدس با نام خدا آغاز می‌شود تا به هدف سوره دست یافته شود، اساساً اگر انسان می‌خواهد کارهایش به هدف خود برسند بایستی آن کارها، هم از حُسن فعلی و هم حُسن فاعلی (لوجه الله) برخوردار باشند زیرا عمل باطل، به نتیجه باطل منتهی خواهد شد، همچنانکه قرآن کریم درباره اعمال کفار فرموده: "وَالَّذِينَ"

كَفَرُوا أَعْمَالَهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا (نور - ۳۹) - همچنین این آیه شریفه که: "وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنَّ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا" (فرقان - ۲۳) "الوجه الله" هم یعنی کار با نام خدا و برای خدا، حال اگر چنین شد کار و نتیجه اش، نزد خدا باقی می ماند همچنانکه قرآن می فرماید: "وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ" (بقره - ۱۱۰) نیز می فرماید: "وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" (الرحمن - ۲۷) "نیز می فرماید: "كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ" (قصص - ۸۸) و منظور از "وجه خدا" فیضی است که در همه عوالم وجودی ظاهر می شود که بدون آن، بقایی برای هیچ چیزی نخواهد بود! نه برای کار، نه برای انجام دهنده آن! البته این مسئله، بدان معنا نیست که چنین کارهایی، خودش و نتیجه اش بعداً از بین برود، بلکه هم اکنون کار و نتیجه آن، از بین رفته! بر این اساس، اگر انسان، هدایت و نتیجه کار را طلب می کند بایستی آن کار برایش باقی باشد و گرنه نتیجه‌ای بر کار از دست رفته مترتب نخواهد شد! این مفهوم، در آیاتی نظیر: نور - ۳۹، فرقان - ۲۳، بقره - ۲۶۴ و جز آن نیز آمده، بنابراین هر چیزی که با وجه خدا در ارتباط نباشد از هم اکنون فانیست، یعنی کار، نتیجه‌ای در برنداشته و مانایی هم نخواهد داشت، افزون بر آنکه قرآن کریم، ملامتگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را "ابتر" خوانده (کوثر - ۳) و منظور از ابتر بودن، نداشتن نسل نیست زیرا بزرگترین و دردناکترین مصیبت آن است که انسان به هدف اصلی‌ای که برای آن آفریده شده دست نیابد، اما عقیم بودن و نداشتن نسل امر مهمی نیست! بویژه در آخرت که اصلاً آنجا نسل و نسبی وجود ندارد! (مومنون - ۱۰۱)

نکته دیگر در اسم مبارکه: "الله" تبرک (اعراف - ۵۴) و تقدس (جمعه - ۱) آن است یعنی از آن کسب برکت و تقدس می شود، وظیفه ما هم در برابر این اسم، تسبیح (اعلی - ۱) و تنزیه (صافات - ۱۵۹ و ۱۸۰) آن است، انجام این کار هم، به آن است که نام دیگری را در کنار نام خدا نیاورده و گفته نشود به نام الله و به نام فلانی! بلکه اسم خدا تنها ذکر شود! نتیجه این تقدس و تنزیه نیز رسیدن انسان به کمال و مقام خدایی است، تا آنجا که چنین فردی مانند خدای تعالی در عالم تکوین تصرف کرده و همان کاری که برخی پیامبران خدا انجام دادند را انجام دهد، مثلاً امواج سهمگین آب دریا را ساکن کرده یا کشتی را حرکت دهد (هود - ۴۱) و مانند آن، (بقلی، ۲۰۰۸، ج ۳: ۶۶) بدیهیست انسان جوای کمال، بایستی این موارد را رعایت کند تا به کمال مطلوب انسانی

و الهی دست یابد، شاهد بر این مطلب آن که برخی روایات، "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" را جزو اسم اعظم خدای تعالی دانسته‌اند! (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳: ۲۸) البته اسم اعظم از سنخ الفاظ نیست بلکه این مسئله زمانی رخ می‌دهد که فرد به قدرت و قوت خود یا سایر اسباب و علل مادی اتکال نکند بلکه فقط خدای تعالی را موثر در وجود بداند که در این حالت، آثار اسم اعظم و از جمله "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" آشکار می‌شود که این مطلب نیز خود باعث تربیت و هدایت انسان خواهد شد، (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۳۵۷) موید این مطلب، روایتی است که اسماء الهی را ۹۹ اسم دانسته که اگر کسی آنها را احصاء کند داخل بهشت خواهد شد، بدیهیست منظور از "احصاء اسماء" در اینجا، شمارش آنها و مواردی مانند آن نیست بلکه منظور عمل و تخلق به این اسماء و صفات است. (همان، ۳۶۰)

برخی مفسران هم آغاز کارها با نام خدا را به این دلیل دانسته‌اند که انسان با نظرداشت نعمت‌های الهی، نیز آگاهی از ضعف و نیاز خود، آنگاه متوجه ذات باری تعالی شده و هر کاری را با نام نعمت دهنده (= خدای تعالی) آغاز کرده و "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" می‌گوید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۰)

"الرحمن" و "الرحیم"

یادکرد از رحمت مطلقه خدا با واژه: "الرحمن" (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۲۶) به دلیل آن است که "الرحمن": صیغه مبالغه و دلالت بر کثرت دارد و یادکرد از رحمت خاصه خدا نسبت به مومنان با واژه "الرحیم" هم به دلیل صفت مشابه بودن "رحیم" است که دلالت بر ثبوت و دوام دارد، به عبارت دیگر اگر نگاه ما به سمت گستره نعمت الهی و شمول آن نسبت به همه انسان‌ها اعم از کافر و مسلمان باشد این مسئله در واقع همان کثرت، گوناگونی و فراگیر بودن نعمت‌های الهی است (الرحمن) و اگر رویکرد به نعمت‌ها و لطف خدای تعالی، ثبوت، دوام و فرازمانی بودن آن باشد - که این مسئله فقط ویژه مومنان است - آنگاه از آن با واژه "الرحیم" یاد می‌شود (مانند احزاب - ۴۳) چراکه صفت مشابه چنین معنایی را می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۸) همین نکته در کلام امام صادق علیه السلام نیز وجود دارد زیرا حضرت؛ "الرحمن" را اسمی خاص و صفتی عام و "الرحیم" را اسمی خاص و صفتی خاص دانستند. (کفعمی، ۱۳۷۱: ۲۹)

واژه "رحمان" (بدون ال) هم بر خدا و هم بر غیر خدا اطلاق می‌شود اما "الرحمن" فقط بر ذات باری تعالی اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴: ۹۱) و "رحیم" از شؤون ربوبیت که بوسائل تشریحی (فرستادن رسول مکرم (صلی الله علیه و آله) و انزال قرآن کریم) جامعه بشر را بسوی سعادت سوق می‌دهد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۱)

رحمت، اقتضای ذات خدای تعالی است؛ یعنی ذاتش اینچنین است که فیض رحمت از او صادر شده و بر مبنا و در پرتوی آن هر موجودی به کمال شایسته خویش می‌رسد، البته رحمت خاص و عام الهی تابع قواعد سه گانه ایست که به شرح زیر است:

یکم: عذاب الهی تنها بر افراد معینی نازل می‌شود که این مسئله مطابق مشیت الهی و حکمت اوست (عذاب خاص)؛

دوم: گستره رحمت الهی دربرگیرنده همه چیز است (حتی عذاب الهی از این دایره خارج نیست) (رحمت مطلقه)؛

سوم: رحمت الهی با وجود گستردگی و وسعتش اما فقط شامل حال مومنین و متقین است (رحمت خاصه). (جوادی آملی، ۱۴۳۲: ۳۴۸)

بدیهست همه این موارد، چه رحمت خاص و چه رحمت عام؛ باعث تربیت و هدایت انسان است یا بگو انسان می‌تواند از طریق آنها به هدایت و کمال دست یابد اما اینکه گفته می‌شود بایسته است چنین شود (یعنی آغاز هر کاری به نام خدا) به این دلیل است که ادب و عقل اینچنین حکم کرده و همین امر سبب رشد و تعالی او خواهد شد، همچنانکه امیر مومنان (علیه السلام) رعایت ادب را موجب کمال انسان دانسته‌اند. (لیثی، ۱۳۷۶: ۴۳)

نکته دیگر در معنای "الرحمن" آن است که این اسم نیز مانند "الله" اسم اعظم است و از همین رو معنای "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" در هر سوره‌ای معنای خاصی می‌یابد چرا که آن، با معنا و محتوای سوره تفسیر و تبیین می‌شود، پس این اسم، هم می‌تواند مظهر اسماء جلالیه خدا و هم مظهر اسماء جلالیه او باشد بدیهست همه این اسماء، نقش هدایتی و تربیتی دارند چه اسماء جمال مانند عالم، قادر، خالق و رازق و چه اسماء جلال مانند: القهار، المذل، المنتقم، المانع، الضار و جز آن، (جیلانی، ۱۹۹۷: ۴۷ ببعده) اسماء الهی هم بر اساس غایات افعال الهی اخذ می‌شوند نه بر اساس انفعالات! رحمان و رحیم نیز از "رحمت" مشتقند و آن؛ یعنی رساندن به خیر و دفع شر (حقی

برسوی، بیتا، ج ۱: ۸) از اینرو وقتی بنده "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" می‌گوید یعنی همه این موارد را از خدا درخواست می‌کند تا از این طریق به هدف و کمال خود دست یابد.

همچنین توجه انسان به رازقیت خدای تعالی نسبت به همه موجودات، باعث اعتراف به رحمت مطلقه و عامه او شده و عبارت "الرحمن" را به کار می‌برد زیرا این عبارت حاکی از همین مطلب (= رحمت مطلقه خدا بر همه کائنات) است و "رحمان" دو چیز را به انسان می‌بخشد؛ یکی آنچه انسان از او طلب می‌کند مثل سلامتی از مرض مال و... و دیگری محبت و عاطفه که امری معنوی است که بسیاری از امراض روحی و نفسی انسان بدان معالجه می‌گردد (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۴۳۶) اما نظر داشت گناهکاری گناهکاران و مهلت دادن خدا به ایشان و غفرانش، باعث گویا شدن زبان انسان به رحمت خاصه خدا خواهد شد که این نکته نیز با واژه "الرحیم" بیان می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۰) بدیهیست این موارد نیز جنبه‌های تربیتی و در نتیجه هدایتی خاص خود را در بردارد.

اختصاص حمد به خدای تعالی

حمد هر حمدگویی در ازای کمال و جمال موجودات است اما در حقیقت این حمد بازگشت به خدای تعالی دارد زیرا همه موجودات، هستی خود را از باری تعالی دارند، از اینرو هیچ کس صلاحیت مورد حمد قرار گرفتن را ندارد! از آنجا که خدای تعالی همه موجودات را به سمت کمال مطلوب خویش سوق می‌دهد و هر چیزی به واسطه خدای تعالی از اینکه چگونه می‌تواند به کمال دست یابد آگاه می‌شود پس نفس حرکت هر رونده‌ای به سمت کمال، به واسطه هدایت و ربوبیت خداوند است و چون این اعطای کمال تنها از سوی خدای تعالی صورت می‌پذیرد پس حمد نیز تنها به او اختصاص دارد. (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۳۷۹)

از دیگر ویژگی‌های حمد آن است که این کار، فقط در قبال کسی انجام می‌شود که دارای کمال، عقل و فکر باشد، همچنین حمد در برابر افعال اختیاری است بر خلاف مدح، بدیهیست که حمد فرع بر شناخت و علم یافتن به کمال و کیفیت دسترسی به آن است از اینرو چنانچه فرد آگاهی و توجه کافی به این موضوع پیدا کند آنگاه حمد باری تعالی را به جا می‌آورد، به عبارت

دیگر این شناخت، مقدمه رسیدن فرد به کمال است و یکی از مواردی که انسان را در رسیدن به کمال نیز یاری می‌کند همین حمد است زیرا کمال، متفرع بر این شناخت است. برخی دانشمندان مراتب چهارگانه‌ای را برای حمد در نظر گرفته‌اند که هر یک از آنها می‌تواند انسان را در رسیدن به کمال یاری رساند:

یکم: حمد محبت و عشق؛ یعنی حمد ذات باری تعالی که ناظر به داشتن صلاحیت حق تعالی نسبت به تحمید است و به همین دلیل عبارت "الْحَمْدُ لِلَّهِ" برای این مسئله کافی است؛ دوم: حمد شکر؛ که در این مرحله، حمد گو، حمد خدا را گفته و از او به دلیل ربوبیت مطلق و احسانش تشکر می‌کند که عبارت: "رَبِّ الْعَالَمِينَ" به همین مسئله بازگشت دارد؛ سوم: حمد تجارت؛ حمدی که با انگیزه امید و اشتیاق به ثواب بیان می‌شود که عبارت: "الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ" بدان اشاره دارد.

چهارم: حمد عبودیت و بندگی؛ که این حمد، به دلیل ترس از عذاب الهی بیان می‌شود و در این سوره از آن با عبارت: "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ" تعبیر شده است. (شیخ بهایی، بیتا: ۷۶۲) برخی مفسران نیز بر آنند که بنده، پس از توجه به نعمت‌های الهی، حمد و شکر نعمت دهنده را به جا می‌آورد که در این حالت عبارت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ" بیان همین نکته خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۰)

آفرینش انسان و نیاز او به هدایت الهی (تربیت پذیر بودن انسان و مختار بودن او) (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

خدای تعالی انسان را آفرید (الرحمن - ۳) اما او را رها نکرد (ضحی - ۳) و برای او برنامه‌ای جامع ارائه کرد که دربر دارنده سعادت دو سرای اوست که همان دین است، زیرا انسان، توانایی کسب اطلاع از آخرت و سرای دیگر و همچنین آگاهی به تمامی جوانب وجودی خویش را ندارد مگر از طریق وحی، چرا که تنها خالق اوست که چنین اشرافی بر ابعاد وجودی او دارد (تین - ۴) و اینکه ربوبیت، تنها از آن خدای تعالی است نیز بر همین اساس است، شاهد بر این مسئله، آنکه قرآن کریم تاکید دارد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شخصی است که به ما چیزهایی را می‌آموزاند که نه تنها ما آن موارد را نمی‌دانستیم بلکه نمی‌توانستیم بدانیم! (بقره - ۱۵۱) چون

راهی برای دریافت آنها جز وحی نداریم! (کاشانی، بی‌تا، ج: ۱، ۳۳۰) زیرا پژوهش، تفکر و مواردی از این دست به هیچ عنوان در این زمینه برای ما راهگشا نخواهد بود! (سبزواری، ۱۴۰۶، ج: ۱، ۱۷۲) اساساً هدف رسالت در ابتدا، تربیت انسان است و انسان تربیت یافته، سرچشمه همه کمالات و تکامل‌هاست (قرشی، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۲۷۷) از همین روست که خدای تعالی نیازمندی‌های انسان را در اختیارش قرار داد (طه - ۵۰) تا وی بتواند در این راه گام بردارد، نکته دیگر آنکه انسان موجودی نیمیر است یعنی مرگ درباره او معنایی ندارد! بلکه او از نشئه‌ای به نشئه دیگر وارد می‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج: ۱۶، ۱۳۹) همچنانکه قرآن از این مسئله با عنوان "توفی" یاد می‌کند (انعام - ۶۰) که به معنای گرفتن تمامی چیزی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۷، ۱۳۰) نه فوت یا مُردن و از بین رفتن! همچنین قرآن کریم به گونه‌ای دیگر نیز به این مسئله اشاره کرده و آن بیان این نکته است که این، انسان است که مرگ را می‌میراند نه اینکه او بمیرد! و پس از آن دیگر مرگی فراروی او نخواهد بود! زیرا انسان است که مرگ را می‌چشد و چشنده، همیشه آن چه می‌چشد را از بین می‌برد و نه بر عکس! (آل عمران - ۱۸۵) بنابراین انسان موجودی جاودان و ابدی است و جداشدن روح از بدنش در این دنیا به معنای مرگ و اتمام کار او نیست (جاثیه - ۲۴) افزون بر آنکه قرآن کریم، حیات اصلی انسان را آخرت دانسته (عنکبوت - ۶۴) و بر همیشگی بودن آن نیز تاکید کرده (اعلی - ۱۷) حال که امر چنین است بایستی برای ابد او برنامه جامعی وجود داشته باشد، همچنین و از آنجا که خدای تعالی آفریننده انسان است پس انسان حقی می‌یابد که بایستی از سوی خدا هدایت شود زیرا او هرگز نمی‌تواند به تنهایی برای خود برنامه‌ای بریزد که جامع سعادت دنیا و آخرتش باشد، از اینرو این هدایت به صورت فراگیر در اختیار انسان قرار داده شده (انعام - ۱۴۹) بدیهیست اگر چنین هدایتی از سوی خدا انجام نشود، وی روز قیامت در مقام احتجاج با خدا بر آمده و دلیلش نیز پذیرفته خواهد شد اما با وجود این راهنمایی‌ها دیگر هیچ دلیلی از او پذیرفته نخواهد شد (شوری - ۱۶) پس خدای تعالی او را به تکالیفی مکلف ساخت تا این موارد، زمینه‌ساز هدایت و تکامل وی باشد.

در این میان، نکته محوری، تربیت انسان است، تحقق این مهم هم به صورت کامل، تنها زمانی ممکن است که این تربیت از سوی خدا باشد! زیرا فقط اوست که به همه جوانب وجودی بشر آگاهی دارد و شاید به همین دلیل باشد که آیه بعد از "بِسْمِ اللَّهِ"، بر ربوبیت الهی تکیه و تاکید

دارد (حمد - ۲) چراکه این یادکرد، به گونه‌ای به نقش تربیتی و هدایت خدای تعالی نسبت به بشر اشاره دارد و تنها در سایه همین ربوبیت است که انسان تربیت شده، در نتیجه به هدایت و کمال خواهد رسید، شاهد این مسئله روایتیست که گُنه و درونِ گوهرِ عبودیت (= کمال انسان) را مسئله ربوبیت دانسته است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۶۵)

"ربوبیت" بمعنای سوق دادن چیزی به سمت کمالش (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۹) یا رساندن هر موجودی به کمال ممکن خود (مستنبط غروی، ۱۳۸۱، ج ۳۰: ۲۹) و ایجاد رابطه بین موجود کمال خواه برای رسیدن به کمال مطلوب خود (جوادی آملی، ۱۴۳۲، ج ۱: ۴۰۹) دانسته‌اند و ربوبیت، تنها، مخصوص خدای تعالی است (طه - ۵۰) زیرا او خالق موجودات و آگاه به تمامی ابعاد وجودی آنهاست و "رب" کسی است که شأن او تدبیر اشیاء است به گونه‌ای که آنها، به سمت کمال و تربیت مطلوب خود رهنمون شوند؛ (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۷: ۲) پس ربوبیت به خالقیت بر می‌گردد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۱۰) در این میان، مفاهیمی مانند: ملکیت، مصاحبت و همراهی، قیمومیت و سرپرستی، بر آوردن نیازها، یاددهی، اطعام و مواردی از این دست، همگی از لوازم، آثار و مصادیق گوناگون ربوبیت‌اند، در قرآن کریم، واژه "رب" به صورت مطلق (نه مضاف به کلمه دیگر) فقط بر ذات باری تعالی اطلاق می‌گردد اما در صورت اضافه شدن به کلمه دیگر، معنای غیر خدا را هم در بر دارد، مانند: "رب الابل" یا "رب الدار"، همین طور است اگر به صورت جمع به کار رود مانند: "أربابٌ مُتَفَرَّقُونَ". (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۹۹)

برخی مفسران بر آنند که بیان عبارت: "رب العالمین" از سوی بنده، به دلیل آنست که وی متوجه سعه و گستره نعمت‌های الهی شده از این رو تعبیر بنده از خدای تعالی به عنوان "رب العالمین" خواهد بود که این مسئله جنبه ادب فرد، در برابر منعم، بایستگی و کیفیت نگاه و رویکرد و تعامل او با نعمت دهنده یعنی خدای تعالی را نیز می‌رساند که البته فایده همه این موارد نیز به خود فرد بازگشت کرده و باعث رشد و کمال وی خواهد شد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۰)

از سوی دیگر با اثبات توحید ربوبی، توحید عبادی نیز اثبات می‌شود چراکه عامل انگیزش انسان به سمت عبادت، ترس از ضرر یا شوق به عطای رب یا لقای اوست که همه این موارد نیز با عبادت خدا حاصل شده و با این پرستش، به کمال مطلوب خود دست خواهد یافت، زیرا برنامه

الهی برای رساندن انسان به کمال مطلوبش، فقط در قالب پرستش خدا حاصل می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۴۳۲: ۴۱۱)

نتیجه‌گیری

این نگاشته، پیرامون آموزه‌های تربیتی دو آیه ابتدایی سوره مبارکه حمد گفتگو کرد، رویکرد اصلی و هدف بررسی این آموزه‌ها هم تبیین نقش و جایگاه آنها در رساندن انسان به کمال است چراکه انسان موجودی کمال خواه است و بایستی به سمت کمال حرکت کند، درباره تفسیر تربیتی سوره مبارکه حمد پژوهش‌هایی انجام شده اما این موارد صرفاً با رویکرد تربیتی و روش‌های آن بوده اما نگاشته حاضر افزون بر رویکرد تربیتی در تبیین آموزه‌های ابتدایی این سوره مبارکه، آن را با هدف رسیدن انسان به کمال مورد بررسی قرار داده است. بررسی‌ها نشان داد که این سوره مبارکه با وجود تعداد آیات کم، اما در زمینه آموزه‌های تربیتی‌ای که انسان را به کمال می‌رساند آموزه‌های بسیار زیادی دارد، در همین راستا می‌توان به مواردی متعددی اشاره کرد مثلاً این سوره مبارکه که با "بسم الله" آغاز می‌شود در واقع ادب آغاز کردن کارها را به ما می‌آموزد چراکه اگر کار با نام خدا نباشد به هدف خود نخواهد رسید همچنانکه در برخی روایات تعبیر "ابتر" برای چنین کارهایی آمده، همچنین دو واژه: "رحمان" و "رحیم" که در "بسم الله" سوره نیز وجود دارد از مواردی است که می‌توان از آنها استعانت جست و خود را به کمال رساند، همچنین شناخت نعمت‌ها، نیز شناخت نعمت‌دهنده که ذات باری تعالی است انسان را به حمد و ستایش او وامی‌دارد که از این رهگذر نیز انسان به کمال مطلوب خویش دست خواهد یافت، نکته دیگر در این باره بحث ربوبیت الهی است چراکه اگر انسان قصد رسیدن به کمال را دارد بایستی این فرآیند را مطابق دستورات الهی انجام دهد چراکه عقل می‌گوید تنها، سازنده هر چیزی می‌تواند برای سازه خود، برنامه عملیاتی و منسجم ارائه کند، از آنجا که انسان ساخته و آفریده خداست فقط او قدرت ارائه چنین برنامه‌ای را دارد زیرا تنها اوست که به تمامی جوانب وجودی انسان احاطه کامل دارد و انسان در پرتوی این برنامه که تحت ربوبیت الهی محقق می‌شود راه کمال را طی خواهد کرد، به دلیل محدودیت صفحات، این نگاشته از بررسی تمامی آیات سوره مبارکه حمد بازماند و تنها دو آیه ابتدایی این سوره مورد بررسی قرار گرفت از اینرو راه برای پژوهش

پژوهشگران برای بررسی سایر آیات این سوره مبارکه با هدف بررسی آموزه‌های تربیتی این سوره که انسان را به کمال می‌رساند همچنان باز است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
عهدین (کتاب مقدس).
ابن فارس احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی.
ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
ابن عجبیه، احمد، ۱۴۱۹ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، نشر حسن عباس زکی.
ابن عربی، محمد بن علی، ۴۲۲ق، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، ۴۱۱ق، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
ابوعبیده، معمر بن مثنی، ۱۳۸۱ش، مجاز القرآن، قاهره، مکتبه الخانجی.
امینی، ابراهیم، ۱۳۸۶ش، آشنایی با اسلام، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
آوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
آملی، حیدر بن علی، ۱۴۲۲ق، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، قم، نور علی نور.
بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ش، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه.
بروجردی، حسین بن رضا، ۴۱۶ق، تفسیر الصراط المستقیم، قم، انصاریان.
بغوی، حسین بن مسعود، ۴۲۰ق، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
بقلی، روزبهان بن ابی نصر، ۲۰۰۸م، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
پانی پتی، ثناءالله، ۴۱۲ق، التفسیر المظهری، کویته پاکستان، مکتبه رشديه.
ثعلبی، احمد بن محمد، ۴۲۲ق، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، ۱۳۸۸ش، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی.

- جمعی از نویسندگان گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۸ش، مجموعه مقالات تربیتی، قم، موسسه امام خمینی ره.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸ش، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، موسسه امام خمینی ره.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸ش، مراحل اخلاق در قرآن، قم، اسراء.
- ، ۱۴۳۲ق، تفسیر تسنیم، قم، موسسه اسراء.
- جیلانی، عبدالکریم بن ابراهیم، ۱۹۹۷م، الانسان الكامل فی معرفه الاواخر و الاوائل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، ۱۴۰۹ق، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بیتا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، ۱۴۰۵ق، فقه القرآن، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷ش، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دار الفکر.
- سبزواری، محمد، ۱۴۰۶ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- ، ۱۴۱۹ق، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دار الفکر.
- شبر، عبدالله، ۱۳۸۶ش، اخلاق، مترجم: محمد رضا جباران، قم، انتشارات هجرت.
- ، ۱۴۱۰ق، تفسیر القرآن الکریم، قم، موسسه دار الهجرة.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۰ش، المجازات النبویه، قم، دار الحدیث.
- شعراوی، محمد متولی، ۱۹۹۱م، تفسیر الشعراوی، بیروت، اداره الکتب و المکتبات.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین، بیتا، مفتاح الفلاح یا مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات، بیروت، دار الأضواء.
- ، ۱۳۹۸ق، العروه الوثقی، قم، بصیرتی.
- شیخزاده، محمد بن مصطفی، ۱۴۱۹ق، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۸۸ش، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم، شکرانه.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۱ش، تفسیر القرآن الکریم، قم، بیدار.
- صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی، تهران، کتابچی.

- ، ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
- ، ۱۳۶۲ش، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری.
- ، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد رضا، ۱۳۷۹ش، صرف ساده، قم، دار العلم.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دار المعرف.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- عاملی شیخ حر، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعۀ إلى تحصیل مسائل الشریعۀ، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عده ای از علماء، ۱۳۶۳ش، الأصول الستة عشر، قم، دار الشیستری للمطبوعات.
- علی پور احمد و نیک صفت ابراهیم، ۱۳۹۰ش، روان شناسی کمال در قرآن، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۸، بهار ۱۳۹۰.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، بیتا، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، منشورات دار الرضی.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام أمير المؤمنين علیه السلام.
- ، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ش، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، ینابیع الموده، قم، دار الاسوه للطباعه و النشر.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، ۱۳۶۳ش، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، تهران، اسلامیه.
- ، ۱۴۲۳ق، زبده التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- ، بیتا، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۳۷۱ش، المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی، قم، مؤسسه قائم آل محمد علیه السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دار الحدیث.

- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، ۱۴۲۹ ق، *شرح فروع کافی*، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.
- مراغی، احمد مصطفی، بیتا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار الفکر.
- مستنبط غروی، مرتضی، ۱۳۸۱ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیجا، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر.
- مطهری مرتضی، ۱۳۸۳ش، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- ، بیتا، *انسان کامل*، تهران، صدرا.
- معین محمد، ۱۳۸۶ش، *فرهنگ معین*، تهران، نشر زرین.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *پیام قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیجا، دفتر آیت الله العظمی سبزواری.
- نصری، عبدالله، ۱۳۶۷ش، *سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ۱۴۱۰ق، *وضح البرهان فی مشکلات القرآن*، بیروت، دار القلم.

